ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۸۳

حدیث روز

امام صادق(ع): دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو.
الأمالی طوسی

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

حرمت زمان بالاتر از حرمت مال است

استاد شهید مرتضی مطهری نوشته‌اند:
ما ارزش پول را خوب درک می‌کنیم ولی ارزش وقت و زمان را درک نمی‌کنیم. معمولا اشخاص تربیت یافته که به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند و از خدا می‌ترسند، ممکن نیست ده شاهی مال کسی را بخورند و تلف کنند و اگر احیانا مال دیگری را تلف کردند از مال خودشان جبران می‌کنند، ولی همین اشخاص که این‌قدر برای مال دیگران حرمت و حقوق قائل‌اند، برای عمر دیگران حرمتی و حقی قائل نیستند. به خودشان حق می‌دهند به بهانه‌ای وقت دیگری را تلف کنند، مثلا خلف وعده می‌کنند... رسول اکرم(ص) می‌فرماید: حرمت عمر وزمان بالاتر از حرمت مال است.
«حکمت‌ها و اندرزها»

کار یکلماتور

سید مصطفی صابری

* برای آن که دنیا بداند همه چیز را در گوش تو گفتم که دنیای منی!
* درسته گذشته‌ها گذشته، اما گذشت هم در گذشته؟
* خندیدن به گریه‌های دیگران خنده‌دار و گریستن به خنده‌های دیگران گریه‌دار است.
* فوتبالیستی که رودست نداشت روپایی می‌زد.
* برای خودشناسی خودبه‌خود به خود می‌اندیشید.

بریده کتاب

پیروزی با استفاده از اطلاعات

در دنیای مدرن ما، همه چیزها به سراغ کسی می‌روند که راه استفاده از اطلاعات را بلد است. این دستور العملِ رسیدن به قدرت است، و آن‌هایی که می‌گذارند اطلاعات از چنگ‌شان در برود، بدجوری شکست می‌خورند.
«زندانی لاس لوماس»
اثر کارلوس فوئنتس

قرار مدار

اندکی صبر

دیوار چین

منوچهر پورزرین

پای دیوار چین
منتظرت هستم
با دامن چین دارت بیا
تا از دور ببینمت!

دنیا به روایت تصویر

رویترز| بازدید پدربزرگ و نوه از نمایشگاه ساخت اسباب‌بازی با ضایعات قابل‌بازیافت، روسیه

آسوشیتدپرس| خدمات نظافت گوش در محل پذیرفته می‌شود!

ای‌پی‌ای| خبرنگاری چینی مراسمی را تحت پوشش دقیق خود قرار داده است

سه نقطه

منتخب چی شده؟

کلاه گذاشتن برای سرگرمی!

سلام و دمتون گرم، این دفعه کولاک کردین و برخلاف میل مون مجبور شدیم خیلی از پیامک ها رو کم کنیم تا تو صفحه جابشن! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی‌ربط و بی‌نام و بی‌مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.
* قیافه من وقتی دبیر وارد کلاس شده و هنوز از زیاد بودن پله ها نفس نفس می‌زنه و میگه بچه ها کتاباتون رو باز کنید! **فاطمه اوجی**
* وقتی میرین بازار و بهترین «سرگرمی» رو واسه بچه تون می خرین! **حسن قدیری**
* بابا: پسرم بذار این لباس ۲۱۶ همی رو بدم... مامان: گریه نکن عجقم، مگه چی شده؟ فقط ۱۰۰ تای دیگه مونده! **سید علی مصطفوی ۱۴ ساله**
* نه مامان دیگه نمیرم سر آجیل ها... دستام رو بستین چشمام رو نبندین دیگه... قول میدم! **رضا عرب، روستای زوزن**
* اتل متل توتوله، تنهایی‌ام ناجوره! **محمدرضا صدفیان**
* یارب این نوگل خندان که سپردی به منش
اون‌قدر لوس و نر نر شد که سپردم به ننش! **رضا عطایی زادگان**
* هی نی نی جون اخم نکن جانم، مسئولان محترم قول کنترل قیمت ها رو دادن، همه چی درست میشه، جیغ نزن! **طاهره حسینی شیرازی**
* بابا جون اون زمان شما بود که کفش بزرگ‌تر می خریدن که چند تا برادر با هم استفاده کنند، الان کلاه رو که بزرگ‌تر نمی گیرن! **عباس یعقوبی**
* ای بابا ولم کنید، از همین حالا کلاه سرم می ذارین بابت ۴۵ هزار تومن یارانه ام که بکشین بالا! **مهدی سلطانی**
* ننه ننه ول کن مخوام بُرُم، هر کار بکنِن قشنگ نمُرُم، مو به خنه ممنم. جاهاز خوب بدن شو هم پیدا مِره! **علی کرامتی**
* نا راحتی یک نوزاد پرسپولیسی بعد از نشان دادن عدد چهار توسط یک پرستار استقلالی! **حسین ثالث**
* ای بابا، تا به دنیا اومدم سرم کلاه گذاشتن! **نادیا میراب شبستری**
* بابا من نمی خوام حاجی فیروز بشم، ولم کنید، تو این گرونی مردم حاجی ارزونی می خوان! **مهدی حسن آبادی**
* واسه ۵۰ تومن عیدی که قراره خاله بده و مامان جون میذاره تو جیب خودش، ببین با من چکار می کنن! **امیرمحمد خسروانی**

دانستنی‌ها

سرزمین فسقلی و غیر رسمی!

سرزمین «هات ریور» کشوری است که ادعا می‌شود در ۲۱ آوریل ۱۹۷۰ به استقلال رسیده است. این قلمرو در ۵۱۷ کیلومتری شهر «پرت» در غرب استرالیا واقع شده است و ۷۵ کیلومتر مربع مساحت دارد. البته این کشور از طرف بقیه ملل و حتی استرالیا به رسمیت شناخته نمی‌شود! داستان از این قرار است که در سال ۱۹۶۹ شخصی به نام «لئونارد کازلی» در مزرعه‌اش در استرالیا اعلام استقلال کرد، پرچم در نظر گرفت و آن را کشوری مستقل شناخت. در سال ۱۹۷۷ علیه حکومت استرالیا اعلام جنگ کرد، اما از آن‌جا که استرالیا آن را جدی نگرفت و جنگی روی نداد، کازلی خود را پیروز جنگ قلمداد کرد! گفته می‌شود برای رفتن به مزرعه این فرد باید ویزای آن جا را تهیه کنید. این سرزمین به دلیل پول، پاسپورت و تمبر مخصوص به خود که مورد تایید هیچ کشور دیگری نیست، مورد استقبال گردشگران واقع شده است. کازلی عنوان «شاهزاده لئونارد» را برای خود انتخاب و القاب سلطنتی مختلفی به اعضای خانواده‌اش اعطا کرد! او در سال ۲۰۱۷ سلطنت را به پسر بزرگش واگذار کرد و چند روز پیش در ۹۳ سالگی درگذشت.

منبع: news.com

تاپخند

* رفتم کفش بخرم قیمت‌ها رو که دیدم، گفتم من که با اقوامم رو در بایستی ندارم با دمپایی میرم عید دیدنی!
* سه تا دزد که از خشکبار فروشی و داروخونه‌ها حدود ۴ میلیارد سرقت کرده بودن دستگیر شدن، گویا رقابت بین دزدها و اختلاسگرها وارد مرحله فینال شده!
* از الان باید واسه روزهایی که مهمون میاد منم مثلا خونه نیستم، آذوقه جمع کنم تو اتاقم!
* یه زمانی مسواک نمی‌زدم تا به دندون‌هام نشون بدم رئیس منم، ولی دندونام با خراب شدن و به زانو درآوردنم با درد، به من نشون دادن که هیچی نیستم، هیچی!
* ولی امسال پتانسیل یک «روز زن» دیگه رو هم تو تقویم داشت!

دور دنیا

سیگار کشیدن دانشجویان سر کلاس!

آدیتی سنترال- عکس‌های دانشجویانی که سر کلاس درس در حالی که استاد درس می‌دهد سیگار می‌کشند، در شبکه‌های اجتماعی ژاپن حسابی فراگیر شده است. این دانشجویان بدون این که مورد خشم استاد یا دیگر همکلاسی‌ها قرار بگیرند به راحتی سیگار دود می‌کنند! با بررسی بیشتر مشخص شد درسی که استاد در حال ارائه آن بوده، درباره تنباکو و استفاده از آن بوده است و برای این که دانشجویان بهتر با این گیاه آشنا شوند، به آن‌ها گفته شده بود که می‌توانند سر کلاس سیگار بکشند!

آغاز ساخت پنجمین بالکن شیشه‌ای مرتفع جهان

سی‌ان- به زودی یکی از بلندترین بالکن‌های تفریحی به شکل عرشه با نام «لبه» (Edge) بر فراز ساختمان هادسون در نیویورک ساخته خواهد شد. با ساخت این سازه، یک جاذبه گردشگری دیگر به نیویورک افزوده می‌شود. گردشگران با رفتن به روی این عرشه شیشه‌ای، منظره توصیف‌ناپذیری را از شهر در ارتفاع ۳۳۰ متری زیر پای خود می‌بینند. این سکو از نظر ارتفاع پنجمین در جهان خواهد بود.

سخت‌گیری عجیب مادر چینی

آدیتی سنترال- مادر چینی برای تنبیه پسر ۱۲ ساله‌اش که در امتحان نمره ۸۱ کسب کرده بود، او را در وسط یکی از شلوغ‌ترین خیابان‌های شهر از خودرو پیاده کرد و خودش رفت! پلیس با دیدن این پسر ۱۲ ساله که در خیابان پرسه می‌زد، متوجه داستان عجیب مادر سخت‌گیرش شد و با بررسی دوربین‌های مدار بسته مادر را شناسایی کرد و پسرش را به او سپرد اما جریمه سنگینی در انتظار این مادر است.

شعر طنز

وضع عید ما

سحر بهجو | شاعر و طنزپرداز

عید نزدیک است و پولم دور بود
وضعیت امسال هم ناجور بود
توی صف‌های خوراکی و لباس
ول معطل بوده‌ایم و آس و پاس
دخترم نق می‌زند شلوار و کفش
همسرم دنبال یک شال بنفش
از پسرهایم چه گویم اولی
کت بخواهد با جلیقه... یا علی!
دومی گوید سفر هم واجب است
در سرش دق دادن این جانب است
آرزوی من چه بوده‌ست و کدام؟
خواب راحت بوده و ختم کلام
وضع ما هر ساله این باشد عمو
عیدهایی در کمین باشد عمو!

تفأل

شد رهزن سلامت زلف تو وین عجب نیست
گر راهزن تو باشی صد کاروان توان زد
حافظ به حق قرآن کز شید و زرق بازآی
باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد

از اون لحاظ

سیب

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

حسنی بچه باهوش اما تنبلی بود که دایم سرش توی گوشی بود و از خرید و فروش بیت کوین و سهام به پول خوبی رسیده بود. یک روز دیگر ننه حسن (ظاهرا قدیم مردم اسم بچه انتخاب نمی‌کردند، یک ضرب می‌رفتند سراغ اسم نوه!) خسته شد و تصمیم گرفت حسنی را از جایش بلند کند، بلکه دنیا را ببیند و کمی هم تحرک داشته باشد و با چهار نفر معاشرت کند، شاید سر و همسری اختیار کرد! فکری به ذهنش رسید. رفت داخل انبار و چند کیلو از سیب‌هایی را که احتکار کرده بود، آورد چید از جلوی دست حسنی تا سر کوچه.
حسنی که از خواب بیدار شد، چشمش به سیب‌ها افتاد و برق از سه فازش پرید. فریاد زد: «ننه این سیبا رو کی ریخته زمین؟ می‌دونی الان سیب کیلویی چنده؟ بیا جمعشون کن.» اما صدایی نیامد. حسنی دوباره داد زد، ولی ننه توجهی نکرد. آخرش با مشقت زیاد روی زمین قل خورد و سیب‌های کف اتاق را جمع کرد. بعد چشمش به سیب‌های توی حیاط افتاد. بعد کوچه. همین طوری تا سر خیابان رفت. ناگهان به خودش آمد و دید راه برگشت را گم کرده. با خودش گفت: «دیگه ما که تا این جا اومدیم، یک از دواجم بکنیم برگردیم.» همین طوری که دنبال کیس مناسب می‌گشت، وارد پاساژی شد و پسری را دید که داشت از یک دختر خواستگاری می‌کرد. حسنی در ابتدا به امر خطیر ازدواج علاقه‌مند شد اما وقتی چشمش به قیمت لوازم خانگی افتاد کلا هوش و هوس ازدواج از سرش پرید.
پس تصمیم گرفت راه درست را برود. بچسبد به اقتصاد و درآمدزایی کند. برای شروع، سیب‌هایی را که جمع کرده بود شب عید کیلویی خیلی تومان فروخت. همین طوری خرید و فروخت و پول روی پول گذاشت و به افراد بانفوذی وصل شد و وام گرفت و کارخانه آب سیب زد و آب قاطی‌اش کرد و باز وام گرفت و شرکت سیب گستران شرق (نمایندگی انحصاری اپل در ایران- کی به کیه؟) را تاسیس و آن جا هم پولشویی کرد و بعد از مدتی پول مردم و وام‌ها را اختلاس کرد و سرش را تراشید و با قیافه مبدل (حسن کچل) از کشور خارج شد و ننه حسن را هم برد کانادا و برایش ماسک سیب ویژه جوان‌سازی پوست خرید و به خیر و خوشی زندگی کردند.
پس نتیجه می‌گیریم که سیب بخورید، خیلی خاصیت دارد!

یادش به خیر

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* سه نقطه درباره جعبه قنادی بامزه بود، دست‌تون درد نکنه.
نسرین، سوسن و مریم اباذریان
* آق کمال؛ ترقه رو بیشتر دوست داری یا ترقی؟!
آق کمال: طرقبه ره!
* تشخیص مسابقه «این کیه» گاهی کمی سخت می‌شود، لطفا بیشتر راهنمایی کنید.
* کمال جان باز امروز از جلو اداره‌تان رد شدم، سعادت نداشتم بیام یک چای با هم بخورم. ایشالا قسمت بشه یک روز بیام از نزدیک ببینمت و چشمت روشن بره!
مجید شادلو
آق کمال: بی صبرانه منتظرم تا چشمام روشن بره!
* بار اندوه را به تنهایی می‌توان کشید، اما برای شاد بودن به یک همدم نیاز است. **مسعود مجنونپور**
* آق کمال؛ آیا می‌دانی هوای بالای سرم ابری است، بالش زیر سرم هم ابری است؟!
آق کمال: نه به جان خودم... ای خبرای مهم ره یگهویی بهم نگن، مو طاقت ندرم!